ظرفیتی که در بستر انقلاب اسلامی در پیش است

شماره پرسش: ۳۴۴۹۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ ۱۷:۲۶:۴۱

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: چند سوال از خدمتتان داشتم: ۱. استاد به نظر شما ما باید نگاه و هدف و انتظارمان برای اصلاح کلی جامعه و زمینه سازی ظهور این باشد که منتظر باشیم و امیدوار به اینکه در آزمون و خطاهایی که در زندگی شخصی و جامعه و ادارات و مملکت داری مان می کنیم تا پیدا کردن راه درست، ظرفیت برگشت دوباره روح انقلاب اسلامی به سطح جامعه و زندگی ها برگردد و امید به اینکه هرچند ما مشکلات را می‌بینیم و می شماریم و راه رفع آن را در زمین جستجو می کنیم، اما خداوند دائما در حال بررسی ظرفیت پذیرش روح انقلاب توسط جامعه و اشخاص است تا بیاید و فضا طوری شود که نخواستن ها بالاتر از داشتن ها دانسته شود نه اینکه صرف بخشنامه و از این دست امور کافی باشد. استاد عزیز لطفا بفرمایید که آیا اینکه وقتی دقت می کنیم به اخلاق و رفتار و روح حاکم بر بخشی از افراد و جامعه می فهمیم و می بینیم که آنها در صدد نگهداشتن خودشان در یک سطح و یک ترازی هستند یا مثل یک نخ تسبیح یک روحی آنها را به نظم می آورد که آن روح جامعه اگر باشد، آیا اگر خدا بیاید این فضا و روح حاکم طوری می شود که نخواستن ها بالاتر از داشتن ها دانسته شود؟ آیا خدا از جمع ما رفته که این فضای حرص ایجاد شده؟ آیا به نظر شما ما باید توجه مان به ساخت ظرفیت برای آمدن خدا باشد؟ ممنون میشم کمی توضیح بفرمایید. ۲. استاد با تفکر در مورد دین و عقل می فهمیم که رعایت حقوق دیگری را کردن، حال انسان باشد یا حیوان و... که گویا همه چیز را به یک نظمی می آورد و همه چیز همان جا که باید قرار می گیرد و اینکه مثال شخصی رو زدید که بنده در سوالم از آن کمک می گیرم شخصی که فرمودید شب درِ خانه تان را زده و پشیمان از اینکه غیبت شخصی را تایید کرده بود و به شدت پشیمان از کارش بود، استاد عزیز با دقت در حالات این شخص گویا احساس به هم ریختگی یک نظم و ایجاد یک فساد یا بیرون انداخته شدن از فضای نظم روحی درونی را داشته، حال سوال اینکه فکر می کردم که اگر از این دست اشخاص در ادارات کار کنند آن اداره را بجای بیست شخص با ده شخص اداره می کنند و خود شخص یک اداره می شود و دلسوزانه کارها جلو می رود تا جایی که اداری گری رنگ می بازد و اگر در صنعت و... هم باشد برای جلو بردن کارهایش آن رعایت حقوقی را که می کند گویا طوری می شود که همه چیز به یک نظمی در آمده و هر چیز همانطور که خدا تعیین کرده می‌شود، به نظر شما سهم اینکه امروز در حداقل ابتدای راه جهان بین دو جهان صنعتگر و اداری و معلم و... ما باید این حد از رعایت را داشته باشند در ورود به تمدن و جهان دیگری چیست؟ آیا این ابزاری که ما امروز می سازیم در بحث نظامی و پزشکی و... که شاید گاهی درهمان ریل تکنیک غربی باشد هر چند نیت استفاده فرق کند آیا این فقط شروعی

برای ورود به عرصه دیگری است یا اینکه با توجه به اهمیت علم و فناوری امروز برای اینکه اسیر و مستعمره غرب نشویم لازم است؟ ۳. در آخر اینکه استاد عزیز به نظر شما شرایط امروز ایجاب می کند که بحث دانش بنیان و علم و فناوری بیشتر پیگیری شود؟ آیا اوایل انقلاب این امکان وجود نداشته است؟ ممنون از شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آری! به خوبی متوجه شده‌اید که ظرفیتی در پیش است تا انسان‌ها بیش از نیازهای دنیایی خود با معنویتی که به سراغ‌شان می‌آید، احساس بی‌نیازی کنند. در این رابطه اخیراً عرایضی ارائه شده تحت عنوان «نسبت عقل با قناعت نسبت به آنچه داریم» https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۲۸۰۳ از این جهت اگر خدا را در زندگی رانده باشیم، به خود می‌آییم تا با بهره‌مندی از زیستِ دینی، خدا را به زندگی برگردانیم. ۲. همین توجه به حضوری که با شهدا پیش آمده و وجدان مردمان، آن را درک کرده به نظر می‌آید نقش‌آفرین باشد. کافی است نوع گفتگوها، گفتگو نسبت به آینده قدسیِ انقلاب اسلامی باشد و با امید، این نوع گفتگو نقش خود را ایفاء خواهد کرد و البته بنا نیست ما از جهان جدید خارج شویم. ۳. آری! قبلاً با جدیّتی که این سال‌ها متوجه ضرورت علم و فناوری در افق فرهنگ دانش‌بنیان دنبال می‌شود، دنبال نمی‌شد و هنوز هم البته ما در ابتدای راه هستیم، زیرا فرهنگ دانش‌بنیان بیش از آن‌که یک دانش باشد، یک روح است. موفق باشید